

معماری فریژی بر اساس کاوش های شهر گوردیون

بهمن فیروزمندی^۱ ساسان سیدین^۲

۱- دانشیار باستان‌شناسی دانشگاه تهران ۲- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی تاریخی، دانشگاه تربیت مدرس و عضو پیوسته انجمن باستان‌شناسی ایران

bfiroz@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۳ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۶

چکیده

فریژی ها که در ابتدا در بالکان جنوبی ساکن بوده اند، در قرن ۱۲ ق.م از طریق هلنسپونت به آسیای صغیر مهاجرت کرده و در سر راه خویش حکومت میسنی را در جریان جنگ تروا از میان می برند. آنان در ادامه مسیر خویش به سمت مشرق، نواحی ای را که سابقاً تحت انقیاد امپراطوری هیتی بود، متصرف شدند. از این تاریخ تا حدود سال ۹۵۰ ق.م، هیچ اثری از آنان در آسیای صغیر به چشم نمی خورد. اما از این زمان شواهد باستان شناختی حضور آنها را در این نواحی تأیید می کند؛ به گونه ای که می توان تا سال ۳۳۰ ق.م سه دوره مشخص معماری را در هنر فریژی شناسایی نمود. پیشتر، تحقیقات صورت گرفته تداوم سنن فریژی در تزئین بناها و اشیا را در طول حیات این فرهنگ به اثبات رسانده بود؛ این تحقیق نیز به خوبی آشکار ساخت که این تداوم در معماری و شهرسازی فریژی نیز وجود داشته؛ به گونه ای که می توان آنرا به بهترین شکل ممکن در معماری پایتخت آنها، گوردیون، مشاهده نمود.

واژگان کلیدی: فریژی، گوردیون، معماری، کاشی

مقدمه

فریژی، نام یکی از حکومت‌های مرکز غربی آسیای صغیر بوده که از اسکی شهیر^۱ در غرب تا احتمالاً بغازکوی^۲، آلیشار هویوک^۳ و قوس رود هالیس در شرق، گسترش داشته است (نقشه^۱). متون میخی آشوری از آنان با عنوان «موشکی»^۴ یاد کرده^۵، اما آنچه که فریژی‌ها خود را به آن نام می‌نامیدند، نامعلوم است. فریژی‌ها که گاهی از آنها با اسامی فروگس و یا فریگس^۶ یاد شده، ابتدا در بالکان جنوبی ساکن بوده‌اند؛ اما احتمالاً ورود ایلیری‌های جنگجو به این ناحیه، باعث مهاجرت آنها به آسیای صغیر شده باشد. آنها در طول مسیر مهاجرت خود، در سال ۱۱۹۰ ق.م. امپراتوری میسنی^۷ را در جریان جنگ تروا نابود کردند^۸ (مجیدزاده، ۱۳۷۶).

ص ۲۰۱). شواهد باستان‌شناختی (گونه شناسی سفال^۹ و استخوان شناسی^{۱۰}) نیز بر گزارشات تاریخی

^۱ Eskishehir
^۲ Bogazkoy
^۳ Alishar Huyuk
^۴ Mushki
^۵ متون آشوری زمان پادشاهی تیگلات پلیسر اول (۱۰۷۷ - ۱۱۱۵ ق.م) از قبایلی به نام موشکی در شمال قلمروی آشور یاد می‌کنند که به نظر همان فریژی‌ها می‌آیند (مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۲۱۵). همین‌طور در متون زمان پادشاهی سارگون دوم (۷۱۸ ق.م)، از میتا (Mit - Ta - a)، پادشاه فریژی، تحت عنوان پادشاه «موشکو» یاد شده است (همان، ص ۳۱۴). در این میان گیرشمن «موشکی» را از فریژی‌ها جدا دانسته و معتقد است که تازه واردان به آسیای صغیر، دو حکومت مجزا را تشکیل دادند: فریژی در غرب و موشکی در شرق (گیرشمن، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

^۶ Phryges or Phryges
^۷ Mycenaean
^۸ آثار تخریب ناشی از این تهاجم در لایه^۷ VIIIb تروا مشهود است (فیروزمندی، ۱۳۸۶، صص ۲۳۳ - ۲۳۲).

^۹ در همین زمان سفال دسته گرد دست ساز از محوطه‌های آسیای صغیر غربی بدست آمده که متسبب به فریژی‌ها است. سفال صیقلی شاخص فریژی تنها در سده^۸ هشتم ق.م ظاهر می‌گردد (Sackler, 2004).

^{۱۰} مهاجمان فریژی از لحاظ گونه شناسی استخوان جمجمه، قصیر الرئس (Brachycephal) بوده‌اند؛ حال آنکه جمجمه‌های سکنه بومی منطقه،

در مورد مهاجرت فریژی‌ها از بالکان به آسیای صغیر مهر تأیید زده و نشان می‌دهد که آنان در حدود ۱۰۰ سال یا اندکی بیشتر بعد از سقوط امپراتوری هیتی (۱۲۰۰ ق.م) در این ناحیه ساکن شده‌اند (Sackler, 2004). این تاریخ پیشنهادی مورد توافق بسیاری از باستان‌شناسان از جمله گیرشمن (گیرشمن، ۱۳۸۸، ص ۶۵)، اکورگال (Akurgal, 1973: 14)، مجیدزاده (مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۲۰۱) و فیروزمندی (فیروزمندی، ۱۳۸۶، صص ۲۳۳ - ۲۳۲) قرار گرفته است.

بعد از فروپاشی تمدن هیتی در فلات مرکزی آسیای صغیر، یک دوره^۹ تاریک ۲۵۰ ساله تا اواسط قرن دهم ق.م در این سرزمین رخ می‌دهد و تنها بعد از پایان این دوره است که فریژی‌ها در فلات مرکزی آسیای صغیر حضور می‌یابند؛ به گونه‌ای که اولین ردپاهای باستان‌شناختی از آنها، به میانه^{۱۱} قرن دهم ق.م باز می‌گردد. هرچند در مجموع عمر این پادشاهی کوتاه بود و نهایتاً توسط تهاجم کیمری‌ها^{۱۱} در حد فاصل سالهای ۶۹۵ - ۶۹۶ ق.م و متعاقب خودکشی میداس، شاه فریژی (۶۹۵ - ۷۲۵ ق.م)، به پایان رسید (گیرشمن، ۱۳۸۸، ص ۹۸ و مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۳۱۶)، اما هنر فریژی را می‌توان تا اواخر سده^۴ چهارم ق.م شناسایی نمود. بعد از تهاجم کیمری‌ها، آنها دومین دوره^{۱۱} طلایی فرهنگ خود را در نیمه^۱ اول قرن ششم ق.م و در مراکز

مستطیل الرئس (Dolichocephal) می‌باشد (گیرشمن، ۱۳۸۸، ص ۶۷). شاخص یا نسبت عرض به طول (Index) جمجمه‌های گونه^{۱۱} اول بیشتر از ۸۰٪ بوده حال آنکه در گونه^{۱۱} دوم کمتر از ۷۵٪ است (Darvill, 2003: 55 & 123).
^{۱۱} یکی از قبایل چادر نشین شمال کوه‌های قفقاز.

پیشینه مطالعات باستان‌شناختی در گوردیون

برادران کُرت^{۱۴} اولین فصل حفاری‌های گوردیون را در سال ۱۹۰۰ م آغاز کرده و چندین ترانسه در سطح تپه شهر حفر نمودند که البته هرگز به لایه‌های فریژی نرسید. آنها همین‌طور پنج تومولوس (KI - KV) را که متعلق به اواخر سده هشتم ق.م بود، کاوش کردند^{۱۵} (Sackler, 2004). بعد از وقفه‌ای طولانی، موزه دانشگاه پنسیلوانیا از سال ۱۹۵۰ م به سرپرستی یانگ^{۱۶} کاوش‌های گوردیون را از سر گرفت. او بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۳، ریاست ۱۷ فصل کاوش در گوردیون را بر عهده داشت. این گروه همین‌طور ۲۹ تومولوس دیگر را مورد بررسی و حفاری قرار داد^{۱۷}. مهم‌ترین، بزرگ‌ترین و غنی‌ترین آنها که احتمالاً مقبره‌ای سلطنتی است، تومولوس MM است که در حال حاضر ۳۰۰ متر قطر و ۵۳ متر ارتفاع دارد^{۱۸}.

بعد از درگذشت تصادفی یانگ در سال ۱۹۷۴، دی ریس^{۱۹} و سپس سامز^{۲۰} سرپرستی پروژه گوردیون را در سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۷ بر عهده گرفتند. در سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۹، کاوش‌ها تحت ریاست مری ویت^{۲۱} ادامه یافت. او با کمک یانگ^{۲۲} کاوشها را در سالهای ۱۹۹۷ - ۱۹۹۳ گسترش داد و ترانسه‌هایی بر روی تپه ارگ، تپه شهر و حومه

جدیدی مانند اسکی شهیر و افیون^{۱۲} تجربه کردند. از آثار شاخص هنری این دوره می‌توان از برخی حجاری‌های یادمانی نام برد که در دل کوه‌ها کنده شده و بسیار محفوظ باقی مانده‌اند. شاید با عظمت‌ترین این آثار یادمانی، اثری است که به آرامگاه میداس مشهور بوده و در یازلیکایا^{۱۳}، در نزدیکی اسکی شهیر قرار دارد. این نقش برجسته ۱۷ متر ارتفاع داشته و نشان دهنده‌ی نمای خارجی یک ساختمان است (تصویر ۱).

طرح‌های هندسی‌ای که در یادمان‌های صخره‌ای فریژی این دوره به کار رفته، باعث شده که این یادمان‌ها با تمامی یادمان‌های معاصر خویش در آسیای صغیر تفاوت آشکاری داشته باشند. از آنجا که بر روی کتیبه‌های معاصر از گل پخته و حتی آثار هنری قدیمی‌تر چوبی، موزاییکی و سفالی، طرح‌های مشابهی به کار رفته، می‌توان کاربرد این تزئینات را سنتی فریژی دانست (Akurgal, 1973).

همان‌طور که اشاره شد، ملاحظه می‌گردد که نوعی پیوستگی و تداوم در استفاده از تزئینات، چه در معماری و چه بر روی اشیاء، در هنر فریژی به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که فروپاشی نظام سیاسی فریژی، خللی در استمرار استفاده از آنها به وجود نیاورد. حال اصلی‌ترین پرسش پیش رو این است که آیا این تداوم در معماری و اسلوب شهرسازی فریژی نیز وجود داشته است؟ هدف اصلی تحقیق حاضر، پاسخ گفتن به این پرسش از طریق بررسی نتایج چندین فصل کاوش و بررسی میدانی صورت گرفته در پایتخت آنها، گوردیون، است.

¹⁴ Korte

¹⁵ اشیای بدست آمده از این حفاری‌ها، هم اکنون در موزه استانبول نگاهداری می‌شود (Akurgal, 1973: 14).

¹⁶ R. S. Young

¹⁷ اکثر آثار بدست آمده از این حفاری‌ها در موزه آنکارا و تعداد اندکی نیز در موزه محلی نگاهداری می‌شود (Akurgal, 1973: 15 & 279).

¹⁸ بی‌شک این سازه در اصل دارای شیب بیشتری بوده، احتمالاً ۲۰۰ × ۷۰ متر، که در اثر عوامل طبیعی کاهش یافته است.

¹⁹ K. De Vries

²⁰ G. K. Sams

²¹ M. M. Voigt

²² T. C. Young

¹² Afyon

¹³ Yazilikaya

شهر حفر نمود. بعد از بررسی میدانی مقدماتی گلدمن^{۲۳} در حومه شهر، کلهوفر^{۲۴} نیز یک بررسی میدانی مشروح را در سال ۱۹۹۶ در سطح شهر به انجام رساند که نتایج حاصل از این تحقیقات در جدول ۱ منعکس شده است (Henrickson, 1997).

گوردیون

گوردیون پایتخت فریژی، در ۲۹ کیلومتری شمال غربی پولاتلی^{۲۵}، کنار بزرگراه آنکارا - اسکی شهر و در نزدیک تلاقی رودهای ساکاریا^{۲۶} و پرسوک^{۲۷}، بر روی ویرانه های شهری هیتی که گورستان آن بدست آمده، بنا گشته و ویرانه های آن حاوی اطلاعات مهمی درباره فرهنگ و تمدن فریژی است (تصویر ۲) (Edwards et al, 1970: 427 & Akurgal, 1973: 279). حفاری های صورت گرفته، بیانگر وجود استقرار های اوایل عصر برنز به علاوه استقرارهای هیتی، قبل از لایه های فریژی (نیمه قرن دهم ق.م) است. اما اوج رشد و شکوفایی شهر در حد فاصل سالهای ۶۷۵ - ۷۲۵ ق.م و در زمانی است که پایتخت فریژی ها بود (Carr, 2010a). شاهان فریژی در نزدیکی این شهر برای خود مقابر بزرگی از چوب ساخته بودند که توسط تپه های مصنوعی بزرگی پوشیده می شدند که مجموعاً تومولوس^{۲۸} خوانده می شوند (Sackler, 2004) و تا به حال تعداد زیادی از آنها در گوردیون، آنکارا و المولی^{۲۹} شناسایی شده است. به طور کلی گوردیون از بخش های ذیل تشکیل شده است:

- تپه ارگ به مساحت ۱۲ - ۱۰ هکتار.
- تپه شهر^{۳۰} به مساحت ۴ - ۳ هکتار که در جنوب شرقی محوطه و در نزدیکی دژ و دیوار ناتمام شهر که بیش از ۱۰ هکتار را محصور کرده، قرار گرفته است. گروه حفاران آمریکایی یک دروازه یادمانی، تعداد زیادی خانه مجلل به علاوه استحکامات متمرکز با ابهتی را که مربوط به دوره عظمت فریژی (۶۶۷ - ۷۲۵ ق.م) بود را در این ناحیه حفاری کردند.
- حومه شهر به مساحت ۳۰ - ۲۰ هکتار که در کنار رود ساکاریا قرار گرفته و قدمت آن حداقل به سده های پنجم و ششم ق.م باز می گردد. در هر دو سمت رودخانه و در شیب ملایم اطراف دره، در فواصل یک تا پنج کیلومتری از شهر، تقریباً ۱۰۰ تومولوس در اندازه های گوناگون مشاهده می شود که همگی مربوط به هزاره اول ق.م می باشند (Henrickson, 1997).

معماری گوردیون

مطابق نتایج حاصل از آخرین کاوشها و بررسی ها، معماری فریژی در گوردیون را می توان به سه دوره تقسیم نمود:

❖ **دوره آغازین (۸۰۰ - ۹۵۰ ق.م):** در این دوره گوردیون شاهد پروژه های ساختمانی عظیمی بوده که مهم ترین آنان، مجموعه ای مستحکم بود که در حال حاضر به نام ارگ قدیمی مشهور است. شهر در این دوره با دیواری مستحکم احاطه شده بود که احتمالاً در اواخر سده ۱۰ و

²³ A. Goldman
²⁴ L. Kealhofer
²⁵ Polatli
²⁶ Sakarya
²⁷ Porsuk
²⁸ Tumulus
²⁹ Elmuli

³⁰ Kucukhuyuk

گرفته در ارگ قدیم، چهار بخش اصلی شناسایی شده است (نقشه ۲) (Dusinberre, 2005: 8):

می شده است. ساختمان PH که از سنگ های رنگارنگی ساخته شده و توسط گروه حفاران آمریکایی به همین دلیل به خانه رنگی نام گذاری شده، دروازه ای در دیوار بدوی ارگ بوده و احتمالاً مربوط به اولین ساخت و سازهای این دوره از استقرار فریژی است (Akurgal, 1973: 279 - 280).

۲. ناحیه کاخ در شمال شرق، از دو حیاط که توسط یک دیوار ضخیم از هم جدا شده اند، تشکیل شده است (Dusinberre, 2005: 8). دو باب از ساختمانهای اولین حیاط که توسط یک دیوار جدا کننده کوچک (B) از دروازه شهر جدا شده اند، از نوع مگارون^{۳۲} می باشند (M1 & M2) که از یک اتاق انتظار و یک اتاق داخلی با یک اجاق گرد مرکزی، تشکیل شده اند. بعد از ساخت و سازهای اولیه، مگارون شماره دو با موزاییک های قرمز - سفید و سنگ ریزه های طبیعی آبی تیره، با طرحی هندسی سنگ فرش شده است. این مورد، قدیمی ترین نمونه سنگ فرش با سنگ ریزه های طبیعی است که به صورت دست نخورده باقی مانده است (تصویر ۴) (Akurgal, 1973: 281). همین طور آثاری از نقاشی های ساده دیواری نیز از این بنا بدست آمده است (Edwards et al, 1970: 430). یانگ با توجه به شواهد بدست آمده از حفاری ها، به

یا اوایل سده نهم ق.م ساخته شده است. به نظر می رسد این مجموعه در این دوره به عنوان کاخ مورد استفاده بوده است. در حفاری های صورت

۱. بخش دروازه

۲. بخش کاخ

۳. بخش تراس

۴. یک سازه چند اتاقه رو به شمال (PPB)^{۳۱}

۱. دروازه ارگ از سنگ آهک سبک ساخته شده و در حال حاضر نه متر ارتفاع دارد (تصویر ۳)؛ این دروازه به احتمال زیاد ورودی باشکوهی متعلق به مکان بزرگ و زیبایی بوده. ورودی، معبری با راهرویی بی سقف به عرض نه متر و طول ۲۳ متر بوده است. این نوع دروازه (معبری باریک و طویل) بسیار مشابه انواع به کار رفته در تروا است. معابد FL، FM و FN در تروای II (نقشه ۳) و دروازه های VI-S و VI-R در تروای VI (نقشه ۴)، پلانی کاملاً مشابه به این دروازه دارند. در گوردیون هم مانند تروا این راهروهای طویل برای به دام انداختن نیروهای مهاجمی که در معرض آتش نیروهای مدافع که از سه جهت در امتداد فوقانی دیوارها آرایش یافته اند، به کار می رفته. هر دو برج کنار دروازه، فضای حیاط ماندی به طرف ارگ دارند. حیاط شمالی که به صورت کامل حفاری شده، برای ذخیره مواد به کار می رفته است. حفاری حیاط جنوبی به منظور حفاظت از دیوار عظیم جنوبی دروازه ایرانی، نیمه کاره ماند. به احتمال زیاد از هر دو حیاط به عنوان سربازخانه استفاده

^{۳۲} ساخته شده از خشت های خشک شده در آفتاب.

^{۳۳} مگارون، اغلب فضایی است مستطیل شکل با یک تالار اصلی با اجاق مرکزی و یک ایوان باز در جلو که دارای سقف شبیدار است (نقشه ۷).

^{۳۱} البته شاید این بنا قبل از دوره میانی ساخته نشده باشد.

درستی نتیجه گرفت که مگارون شماره دو دارای سقفی شیروانی بوده که با یک پایه تاجی شکل در لچکی جلو و دو سنگ آهکی به شکل سر شیر، در دو طرف نمای بیرونی تزئین می شده است. دیوارها از خشت های خشک شده در آفتاب ساخته شده و توسط تیرهای چوبی که بر روی پایه های سنگی قرار داشته اند، تقویت شده بودند. سقف بنا از نی ساخته شده بوده است که با لایه ای از رس از سمت خارج پوشش می شده است. مگارون شماره سه به نظر مهمترین ساختمانی باشد که تا به حال در گوردیون حفاری شده است. ابعاد آن $۳۰,۴۰ \times ۱۸,۳۰$ متر بوده و بزرگترین بنای ارگ فریژی به حساب می آید که در حیاط درونی تقویت شده و بارو دار تپه ارگ واقع گشته است. این بنا از یک شبستان یک طبقه مرتفع و دو راهرو که توسط دو ردیف ستون های چوبی^{۳۴} به وجود آمده، تشکیل شده است. از جمله اشیای یافت شده در این بنا، می توان به تکه هایی از اشیای نفیسی اشاره نمود که شایسته یک مقرر سلطنتی می باشند. مگارون بزرگ دیگری (M4)، در سطحی بالاتر و در شمال مگارون سه قرار گرفته است. از آنجایی که مطابق نظر یانگ فریژی ها علاقه زیادی به ساخت معابد خویش در ارتفاع داشته اند، می توان این بنا را معبد به حساب آورد (Akurgal, 1973: 281).

۳. سومین ناحیه، تراسی بزرگ در غرب است که به احتمال زیاد قسمتی از یک ساختمان مهم متعلق به سده نهم ق.م می باشد که از دو ساختمان

مشابه که طولی برابر دارند و در دو طرف خیابانی طویل قرار گرفته اند، تشکیل شده است (Dusinberre, 2005: 8). ساختمان شرقی که در غرب مگارون های پنجگانه قرار گرفته، از هشت مگارون به ابعاد ۱۴×۱۱ متر که در کنار هم قرار گرفته اند، تشکیل شده است. هر کدام دارای یک اجاق مرکزی بوده که یک راهروی چوبی که توسط ستون ها حمایت می شده، در امتداد آن قرار گرفته است (Akurgal, 1973: 281-282). اشیای بدست آمده از این مجموعه بنا نشان می دهد که هر اتاق ساختمان تراس، به عنوان یک واحد مستقل تولیدی عمل می کرده؛ به گونه ای که تولیدات متفاوت در طول ساختمان به شکل متناوب تکرار می شده است. اتاق ها در ابتدا برای تولید غذا و منسوجات به کار می رفته اند؛ حجم زیادی از محصولات و یک سازمان منظم، نشان دهنده آن است که توزیع خوار و بار و پارچه ها، دارای یک سیستم متمرکز اداری بوده است. با این وجود، مشخص نمی باشد که آیا تولیدات این ساختمان قادر به تأمین تمام نیازهای جمعیت فریژی این دوره به صورت کامل بوده، یا فقط قسمتی از آن را تأمین می کرده است (Dusinberre, 2005: 8). این سیستم که در آن یک سری بناهای مگارون شکل در یک ردیف کنار هم و در یک مکان مرتفع قرار می گیرند، پلان به کار رفته در تروای II و تعداد دیگری از محوطه های آسیای صغیر را به خاطر می آورد (Akurgal, 1973: 282).

^{۳۴} این دو ردیف ستونهای چوبی بر روی مجموعه ای از الوار که زیر سطح کف قرار گرفته و امروزه قابل مشاهده نمی باشند، ساخته شده اند.

بدست نیامده. بعد از آتش سوزی، تپه ارگ مجدداً با سبکی مشابه دوره آغازین بازسازی شد که نشان دهنده تداوم سنن معماری در گوردیون می باشد. دیوارهای ویران شده ارگ قدیم همگی در ارتفاع حدود یک متر باقی مانده اند. یک لایه ضخیم خاک (تا پنج متر) بر روی تمام ناحیه حفاری شده تپه ارگ مشاهده شده و ساختمانهای جدید همگی بر روی این لایه خاک بنا شده اند. پی این سازه های جدید از لاشه سنگ ساخته شده و سنگ های باد بر به صورت معماری سنگ چینی، روبنای آنان را تشکیل داده است. ارگ جدید دوره میانی، به شکل شگفت انگیزی دقیقاً بر روی پلان ارگ قدیم ساخته شده است. تاریخ این بازسازی هنوز مشخص نشده اما حفاران بر این گمان اند که در حدود اواخر سده هشتم ق.م بوده است. مشکل زمانی پیچیده تر می شود که معلوم گردد روند پر شدن برخی قسمت های ارگ قدیمی، قبل از آتش سوزی شروع شده باشد. این خاک از رس خالص بوده و لذا ممکن است توسط جوی های آبیاری کشیده شده از رود سانگار یوس آورده شده باشد^{۳۶} و یا به خاطر عملیات تسطیح تپه در همان زمان صورت گرفته باشد (Dusinberre, 2005: 9).

همان طور که اشاره شد، پی لاشه سنگی بناهای ارگ جدید درون خاکریزی سرخ رنگ قرار گرفته بودند. قطعات سنگی پوشش این بناها چند رنگ بوده و احتمالاً بسیار برجسته و قابل توجه بوده اند. ساختمانهای سنگی ارگ جدید به همراه باروها، برای مدت زمانی طولانی

۴. سازه چند اتاقه PPB در شمال، که چهارمین بخش بزرگ ارگ قدیم به حساب می آید، هنوز از لحاظ تاریخ گذاری و تعیین کاربری در شرایط نامعلومی به سر می برد.

به طور کلی، تپه ارگ نشان دهنده یک جامعه پویا و تکامل یافته در اوایل دوره فریژی است که دارای نخبگان و سرکردگان ثروتمندی می باشد که دارای روابط فرهنگی با همسایگان خویش است. تغییرات به وجود آمده در تاریخ گذاری زمان تخریب ارگ قدیم از ۷۰۰ به ۸۰۰ ق.م^{۳۵}، باعث شده که ساختمانهای عظیم این دوره به زمانی کهن تر از ساختمانهای مشابه در یونان تاریخ گذاری شوند و سوال های جدیدی را در رابطه با اثر فرهنگ فریژی بر یونان به وجود آورند.

دوره میانی (۵۴۰ - ۸۰۰ ق.م):

در این دوره گوردیون به دلیل یک آتش سوزی مهیب در حدود ۸۰۰ ق.م از پای درآمد و به جز ناحیه شمال شرقی، ویران گردید (نقشه ۵)؛ ساختمانهای ارگ قدیم سوخته و نابود گشتند. دلایل این آتش سوزی نامعلوم است؛ شاید به دلیل بادهای شدیدی باشد که در گوردیون در جریان اند؛ در یک چنین بادهای شدیدی، واژگونی تنها یک فانوس برای شعله ور نمودن تمام ارگ کافی بوده است. هیچ اسکلت انسانی و همین طور مهری در لایه ویران شده

^{۳۵} در ابتدا لایه سوخته گوردیون را مربوط به حدود سال ۷۰۰ ق.م و تهاجم کیمیرها می دانستند؛ اما جدیدترین تاریخ گذاری ها قدمت این لایه را عقب تر برده و به اواخر قرن نهم ق.م منتسب می کند. تاریخ کالیبره شده نمونه ها، ۸۲۴ - ۸۰۷ ق.م با اطمینان ۶۸٫۲٪ و ۸۲۷ - ۸۰۳ ق.م با اطمینان ۹۵٫۴٪ است (De Vries et al, 2003).

^{۳۶} البته گاهی مواد فرهنگی هم در میان آنها مشاهده شده است.

(تا دوره متأخر) مورد استفاده بودند؛ اما زمان متروک شدن آنها در حال حاضر نامعلوم است. بیشتر به این دلیل که قطعات سنگی نما و گاهی اوقات لاشه سنگهای پی آنها توسط سکنه بعدی محوطه به شدت تخریب شده و به نوبه خود باعث برهم خوردن توالی لایه نگاری شده اند. در برخی موارد سنگ های نما به کلی از بین رفته و پلان بنا را تنها می توان از روی پی لاشه سنگی آن تشخیص داد. تقریباً تمام محتویات اتاق ها غارت شده؛ پلان آنها همچنان به پلان ارگ قدیم شباهت دارد و این خود نشان دهنده این نکته است که کارکرد آنها هم باید مانند بناهای قبلی باشد. تحقیقات جدید نشان داده که ارگ جدید و همین طور به احتمال زیاد ارگ قدیم، به دو قسمت تقسیم شده بوده اند. قسمت شرقی با پلان مشابه دوره قبل که بخش کاخ ها بوده و قسمت غربی به عنوان محل استقرار خانواده های ثروتمند به کار می رفته است^{۳۷} (Ibid: 10). سفال های نوشته دار، فلزات (آلیاژ مس، سرب و طلا) و سایر مواد بدست آمده از ناحیه غربی ارگ این دوره، همگی دال بر ثروت سکنه آن است. شواهدی از استخوان ها و دیگر های بدست آمده نشان دهنده این نکته است که این قسمت (ناحیه غربی) دارای کارکرد خانگی بوده.

در دوره میانی، علاوه بر تپه ارگ، گوردیون به سمت تپه شهر نیز گسترش یافت. در ناحیه جنوبی تپه ارگ و اطراف تپه شهر بارویی احداث گردید و یک دژ خشتی در جنوب شرقی

تپه شهر برای حفاظت از لایه های دروه میانی که بالاتر از سطح زمین های دشت اطراف ساخته شده بود، بنا گشت. حفاری های سالهای ۱۹۹۵ - ۱۹۹۳ تپه شهر، ساختمانهایی با پی لاشه سنگی را که در خاک رس قرار گرفته بودند، آشکار ساخت. به علاوه یک مجموعه تراس دار را در قسمت شرقی تپه شهر از زیر خاک خارج نمود (Dusinberre, 2005: 11). در قسمت غربی، خانه های خشتی چند اتاقه که اثر اندود گل بر روی دیوارهایشان باقی مانده بود، ظاهر گردیدند. حفاری های صورت گرفته در حومه شهر، در طول خط سیر جدید رود سانگاریوس، ساختاری دیگر را آشکار نمود؛ ساختمان هایی با یک سرداب زیرزمینی که شاید مربوط به تاریخ دوره میانی باشد. بدین ترتیب به نظر می رسد که گوردیون نسبت به دوره آغازین، بزرگتر و شاید پر جمعیت تر بوده است. تپه ارگ ظاهراً توسط نجبا مسکون بوده؛ نیمه شرقی تپه به احتمال زیاد هنوز محل قرارگیری کاخ ها و ساختمانهای عمومی که درون استحکاماتی قرار گرفته اند، می باشد. نیمه غربی هم محل استقرار خانه های افراد ثروتمند شهر بوده است. تپه شهر نیز آرایش فضایی یکسانی با ساختمانهای عمومی بزرگ نیمه شرقی و ساختارهای خانگی نیمه غربی دارد. ساختمانهای عمومی تپه شهر به احتمال زیاد به استقرار نیروهای نظامی در قلعه جدید جنوب شرقی مرتبط است. انبوه جمعیت در غرب و شمال غربی این ناحیه، همین طور در حومه شهر پراکنده اند. کشف یک کوره سفال گری در حاشیه جنوبی تپه شهر، نشان دهنده این نکته است که فعالیت های تولیدی به خارج از

^{۳۷} ممکن است این قسمت محل اسکان کارمندان اداری کم مرتبه که مرتبط با دربار فریژی بوده اند و یا بازرگانان مستقل فریژی نیز بوده باشد.

دوره متأخر (۳۳۰ - ۵۴۰ ق.م):

این دوره به طور کلی تقریباً هم زمان با اشغال گوردیون توسط هخامنشیان است. همان طور که اشاره شد، ساختمانهای ارگ جدید در این دوره هم مورد استفاده بوده اند؛ دیوار محافظ در تمامی این دوره هم مورد استفاده قرار گرفت ولی ساختمانهای سنگی، تنها در مدت زمانی نامعلوم در این دوره مورد استفاده واقع گشته بودند. شواهد ورود ارتش ایران به گوردیون، به صورت پراکنده قابل مشاهده است زیرا در تمام محوطه پیکانهای شاخص هخامنشی بدست آمده است. هخامنشیان در جنوب غربی تپه ارگ، در برابر قلعه و برج تپه شهر، قلعه ای بزرگ را برای خویش ساخته اند. خشت های بدست آمده که متعلق به تپه شهر بوده اند، توسط پیکانهای هخامنشی سوراخ شده بودند. جدیدترین لایه نگاری ها و تحلیل مواد فرهنگی نشان می دهد که تخریب ساختمانهای سنگی و، در شروع دوره متأخر (حدود سالهای ۵۰۰ ق.م) به وقوع پیوسته است. اما این تخریب، به نظر نمی تواند باعث پایان شکوفایی و رونق گوردیون شده باشد. در این دوره فعالیت های صنعتی بر خلاف دوره قبل که در حومه شهر صورت می گرفت، در ناحیه شرقی تپه شهر صورت می گرفته است. در این دوره دو ساختمان سنگی بزرگ در شرق تپه شهر ساخته شد؛ ساختمان موزاییک^{۳۸} در اواخر سده ششم و یا اوایل سده پنجم ق.م و

شهر انتقال داده شده بودند. در مجموع بازسازی ارگ جدید بر پایه پلان ارگ قدیم با وجود پنج متر رس خالص که بر روی این لایه نشسته، امری سحرآمیز و عجیب به نظر می آید. محوطه تسطیح شده و اشیاء توسط غارتگران به یغما نرفته و تقریباً همه چیز توسط خاک پوشیده شده است. این موضوع شاید بیانگر یک نوع تطهیر مذهبی و یا دست کم نشان دهنده تمایل سکنه برای به وجود آوردن یک خاک بکر بوده باشد (Ibid). نمونه این نوع تطهیر احتمالی را در تعدادی از محوطه های بین النهرین باستان مانند معبد معروف بیضی خفاجه، ایگال، معبد اینانا در حیا و لاگاش هم مشاهده می کنیم (کرافورد، ۱۳۸۷، ص ۹۲)؛ این موضوع را در معبد محوطه مادی نوشیجان تپه (نوشیجان I) نیز می توان مشاهده نمود (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱، ص ۴۱) که نشان دهنده این نکته است که شاید این سنت قدیمی بین النهرینی تا این زمان باقی مانده بوده است. در این دوره سعی شده تا محوطه از کثافات و بوی تعفن آتش سوزی پاک سازی شود. همین طور نشان دهنده اراده ای چشمگیر برای سامان دهی فضاها و حتی شاید جامعه قبل از ویرانی بوده است. این دوره منطبق با حداکثر وسعت و مشهورترین دستاوردهای تمدن فریژی است. در حدود ربع دوم سده ششم ق.م که دوره میانی رو به پایان است، شواهد باستان شناختی نشان دهنده فتح فریژیّه توسط لیدی هایی می باشد که از سمت غرب به آنان هجوم آوردند (Dusinberre, 2005: 12).

^{۳۸} این نام از روی موزاییک هایی گرفته شده که کف این ساختمان را می پوشانده اند.

صورت تک اتاق‌هایی نیمه زیرزمینی اند که بسیاری از آنان دارای اجاق بوده و معمولاً کوچک و بسیار ساده ساخته شده‌اند. غرب تپه در تضاد با شرق آن دارای ساختمانهای مستقل سنگی به علاوه تعدادی خانه گودالی شکل ساده است (نقشه ۶) (Dusinberre, 2005: 13).

در مجموع و با توجه به موارد ذکر شده، می‌توان شاخصه‌های معماری فریژی را بدین گونه بیان نمود:

استقرارهای فریژی عموماً نشان دهنده شهرهای کوچک مستحکمی‌اند که بر روی ویرانه‌های شهرهای قدیمی هیتی ساخته شده است.^{۴۰} حفاری‌های صورت گرفته در پایتخت آنان، گوردیون، نشان دهنده ظهور ساختمانهای عمومی از نوع مگارون می‌باشد (Carr, 2010b) که هیچ شباهتی به معماری هیتی نداشته، بلکه یادآور سازه‌هایی است که برای نخستین بار در کاوشهای تروا بدست آمده و قدمت آن به ۳۲۰۰ ق.م می‌رسد (فیروزمندی، ۱۳۸۶، صص ۲۳۳ - ۲۳۲). ویروویوس^{۴۱} خانه‌های فریژی را بدین سان تشریح کرده است: «از کنده‌های چوبی ای ساخته می‌شوند که درون گودالی که در زمین حفر شده، قرار می‌گیرند. سپس روی این کنده‌های چوبی، توسط نی و خار و خاشاک پوشش داده می‌شود.» این دقیقاً همان طرحی است که در تومولوس‌های تدفینی گوردیون به کار رفته. این اتاقک‌های چوبی فقط به عنوان اتاقک تدفین در تومولوس‌ها به کار نمی‌رفته‌اند، بلکه برای کاربری مسکونی هم مد نظر بوده‌اند. گاهی اوقات خانه‌های اواخر قرن

خانه منقوش^{۳۹} در بازه ۴۹۰ - ۵۲۰ ق.م ساخته شدند. خانه منقوش اسلوب معماری و تزئینات جدیدی را در گوردیون به نمایش می‌گذارد؛ اما ساختمان موزائیک دارای نمونه مشابهی در سده نهم ق.م است و باید آن را نمونه جدید آن بنا معرفی نمود. نکته جالب توجه در معماری این دوره این است که هیچ یک از سازه‌ها به صورت مگارون ساخته نشده است. شاید این دو ساختمان پرهزینه که در ناحیه ای که در دو دوره قبل برای ساخت کاخ‌ها و اسکان جمعیت نخبه به کار می‌رفته، ساخته شده‌اند (بسیار نزدیک به بارو و دروازه که ظاهراً در دوره متأخر هم باقی مانده بود)، مربوط به دوره هخامنشی باشد. هرچند که استمرار در استفاده از بناهای ادوار سابق در دوره هخامنشی الگویی عمومی نبوده؛ زیرا حفاری‌های جدید نشان می‌دهد که پروژه‌های بزرگ ساختمانی در غرب تپه در جریان بوده و نشانه‌هایی از آن هم باقی مانده است. با وجودی که در حفاری‌ها خرده‌سنگهایی که مربوط به دیوارهای سنگی و حیاط‌های سنگ فرش شده بوده‌اند بدست آمده، اما به احتمال بیشتر دارای کارکرد صنعتی بوده است؛ زیرا در تمام سطح این ناحیه از تپه، اندود ضخیمی بر روی کف سازه‌ها به چشم می‌خورد که با خاکستر و زغال پوشیده شده است. سایر بناهای حفاری شده این دوره بسیار پیچیده به نظر می‌آید؛ یک سری بناهای سردابی شکل در شرق تپه حفاری شده‌اند که به نظر می‌آید به عنوان کارگاه از آنها استفاده شده است. این سازه‌ها به

^{۴۰} استقرارهای اصلی فریژی در آنکارا، پازارلی (Pazarli)، آلاجا (Alaca)، آلیشار و بغازکوی متمرکز شده است (Akurgal, 1973: 15).

^{۴۱} Viruvius

^{۳۹} این نام از روی یک اتاق تقریباً زیرزمینی گرفته شده که دارای تصاویری پرطراوت و رنگی بر روی اندود سفید بوده است.

داد که از کاشی های رسی پخته شده چند رنگ با برجستگی اندک، ساخته شده بود که دارای اشکال حیوانی و انسانی بوده و ارتباطی هم با هنر یونان و هم با هنر مشرق دارد. شاید این سنت بتواند اختراع حواشی منقوش را به فریژی ها نسبت دهد (Edwards et al, 1970: 430).

کاشی های سقف

نیم قرن حفاری در گوردیون باعث آشکار شدن آرایه ای از گل های پخته شده در معماری فریژی شد که نزد عوام به کاشی های سقف مشهور شدند. این کاشی های لعابدار رسی بعد از سفال، بیشترین یافته هایی هستند که از محوطه بدست آمده. این کاشی ها دیدی اجمالی را درباره سبک معماری ساختمانهای فریژی و همین طور ذوق هنری به کار رفته در تزئینات آنها، بدست می دهد که می تواند در تعیین تاریخ محوطه سودمند باشد. از طرفی این کاشی ها می توانند باعث بروز اشتباهاتی در تاریخ گذاری شوند. چون در اکثر موارد به صورت متروک (نه در جای اصلی خود) و در توده های اشغال مربوط به دوره های متأخرتر بدست می آیند. البته خوشبختانه بخش های پراکنده یک سقف کاشی کاری شده، دارای مشخصات مشترکی می باشند که این خود به ما در تعیین مکان اصلی آنها کمک می کند (Glendinning, 2005: 82).

این نوع کاشی های سقف احتمالاً در شهر یونانی کورینت^{۴۴} ابداع شده اند؛ جایی که برای اولین بار برای پوشش معبد آپولو در اوایل سده هفتم ق.م به کار رفته اند. به زودی گونه جدیدی از این کاشی ها ساخته شدند که ضد آب و ضد آتش بودند. این

هشتم ق.م در گوردیون از سنگ ساخته شده بودند و گاهی هم از خشت خام؛ ولی دیوارها از کنده های موازی چوبی تشکیل می شدند و ساختاری نیمه چوبی را تشکیل می دادند (Edwards et al, 1970: 429).

به کمک نقوش حجاری های یادمانی که به آنها اشاره گردید و همین طور برخی طرح های کنده شده در گوردیون، می توان نتیجه گرفت که سقف خانه های فریژی، مانند سازه های اورارتویی، شیروانی بوده و از تیرهای چوبی با پوشش نی و رس ساخته می شده است. لچکی آنان به شکل تاجی بود که توسط گلدسته های بزرگ شیپور-شاخ مانند احاطه می شد^{۴۲}. در یک آرامگاه لیکیه ای، خانه ای به تصویر کشیده شده که دارای حواشی نقش دار بوده و توسط کنگره های چهارگوش و گونه ای گلدسته مشابه و ساده تر، حمایت می شده است. می توان نتیجه گرفت که این گونه مساکن چوبی دارای منشأ واحدی بوده؛ شاید پلانی مربوط به اواخر عصر برنز که در غرب آسیای صغیر (لوویان^{۴۳}) به کار می رفته ولی هنوز به طور کامل بررسی نشده است.

با قضاوت از روی نقوش کنده شده در صخره ها، ورودی خانه های فریژی یا در لوای پوششی پنهان بوده (شاید در پشت یک دیوار جدا کننده که دارای تزئیناتی بوده) و یا به طور کلی در جوانب ساختمانها قرار داشته است. در سازه های سده ششم ق.م گوردیون و پازارلی، این دیوارهای جدا کننده جای خود را به پوشش های تزئینی ای

^{۴۲} یک نمونه سنگی آن از گوردیون بدست آمده، اما احتمالاً نوع چوبی آن متداول تر بوده است.

^{۴۳} Luwian

^{۴۴} Corinth

۳. کاشی‌های مرزی^{۴۹}
۴. کاشی‌های ناودانی^{۵۰}
۵. کاشی‌های ناودانی جانبی^{۵۱}
۶. پلاک‌های منقوش معلق^{۵۲}

این کاشی‌ها با کاشی‌های رنگی سارد که از رنگ‌های روشنی تشکیل شده و دارای تزئینات بسیارند، شباهت زیادی دارد. در سنن تزئین کاشی آسیای صغیر، حاشیه‌های منقوش که شامل نوارهای تکراری تزئینی اند، بسیار متداول است. حدود ۲۰ نوع از این حاشیه‌های منقوش از گوردیون بدست آمده است. برخی از آنان دارای موتیف‌های هندسی اند که در هنر فریژی در موارد متعددی به کار رفته، و برخی دیگر مانند هنر شرقی دارای طرح‌های صورت وارند. برخی موتیف‌ها هم به موتیف‌های هنرهای کوچک مدیترانه‌ای (اشیای کوچک چوبی، استخوانی و عاجی) شباهت دارد. ستاره‌ها و تزئینات طوماری دابل، به نمونه‌های فلزی یونان شباهت زیادی دارند (Glendinning, 2005: 86 – 87). در این میان، اثر طرح‌های به کار رفته از روی الگوی منسوجات نیز چشمگیر است. لوزی‌ها در تمام کاشی‌های سراسری و پوششی تکرار می‌شوند و یک حالت خیمه‌مانند را به وجود می‌آورند که بسیار به الگوهای شباهت دارد که در برخی سقف‌های آرامگاه‌های اتروسکها^{۵۳} به کار رفته است.

فناوری به زودی (ربع پایانی سده هفتم ق.م) در سایر استقرارگاه‌های یونانی گسترش یافت و حتی به سیسیل در جنوب ایتالیا و ناحیه ایونی در شرق رسید. فریژی‌ها این نوع کاشی را در نیمه اول سده ششم ق.م مورد استفاده قرار دادند. باستان‌شناسان برای اولین بار به دنبال کارهای آلفرد و گوستاو^{۴۵} با این کاشی‌های فریژی آشنا شدند. اگرچه بازسازی آنها از ساختمان کاشی شده بدون شک اشتباه بود^{۴۶}، اما با این حال یکی از شاخصه‌های تزئینی فریژی را برای ما آشکار نمود. نقوش و تکنیک ساخت کاشی‌ها نشان دهنده آن است که به صورت انبوه و برای مصرف در ساختمانهای متعدد استقرار مستحکم فریژی میانی، تولید می‌شده اند. رنگ‌های قرمز، سفید و به خصوص مشکی در آنان به خوبی محفوظ مانده است. این کاشی‌ها به خوبی گذر از مغز خاکستری به سطح قرمز اکسید شده را نشان می‌دهند. همین‌طور خمیری که برای ساخت آنان به کار رفته، بسیار مرغوب و ممتاز است (Ibid: 83 – 85). سطح آنها یا نقاشی شده و یا دارای نقوش برجسته است. بررسی دقیق کاشی‌های بدست آمده از گوردیون (۴۰۰۰ قطعه)، یک گروه (۶۱۳ کاشی) را که از نظر جنس، ابعاد، طرح و تزئینات با هم مشابه اند، آشکار نمود که خود بر شش گونه تقسیم اند:

۱. کاشی‌های سراسری^{۴۷}
۲. کاشی‌های پوششی^{۴۸}

^{۴۵} حفاری‌های سال ۱۹۰۰ که در امتداد مرز جنوب غربی تپه ارگ گوردیون صورت گرفته بود.

^{۴۶} آنها کاشی‌هایی با اندازه و طرح‌های مختلف را که مربوط به بافت‌های گوناگونی بود، با هم در یک ساختمان بازسازی کرده بودند.

^{۴۷} Pan Tiles
^{۴۸} Cover Tiles

^{۴۹} Ridge Tiles

^{۵۰} Raking Sima

^{۵۱} Lateral Sima

^{۵۲} Pendent Frieze Plaque

^{۵۳} اتروسکها (Etruscans) قومی غیر هند و اروپایی اند که پیش از آمدن رومی تباران هند و اروپایی به ایتالیا، در حدود سال ۸۰۰ ق.م از آسیای صغیر به ایتالیا مهاجرت کرده و در بخش‌هایی از آن ساکن شدند. این قوم دارای سبک معماری ویژه خود بودند که در تاریخ روم و یونان مشهور است (سفر، ۱۳۷۶، ص ۳۶۹).

خوبی با هم قیاس نمود. به نظر می‌رسد که فناوری تولید کاشی‌ها در اواخر سده هفتم و یا اوایل سده ششم ق.م به گوردیون رسیده باشد؛ زمانی که حجم زیادی از سفالهای یونانی و لیدیه‌ای هم به گوردیون وارد شده‌اند (Ibid: 89 - 93). از آن جایی که گل‌های پخته تغییر را در طرح، سبک، اندازه و تزئینات در طول زمان نشان نمی‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که فن کاشی‌کاری به شکل وارداتی به گوردیون رسیده است (به این معنی که گسترش و تکامل خود را قبل از ورود به گوردیون طی کرده بود). در غیاب سایر شواهد، منطقی است که بپذیریم سنت کاشی‌کاری گوردیون، تحت نفوذ فرهنگی لیدی شکل گرفته. سازندگان کاشی‌های لیدی به همراه دانش فنی خود در گوردیون ساکن شده و یا این فنون (روش ساخت قالب، اسلوب ساختن، نقاشی کردن، حرارت دادن، پختن و ایده‌های تزئینی) را به افراد بومی در اوایل سده ششم ق.م آموزش داده‌اند. شواهد باستان‌شناختی و تاریخی نیز بر این نکته دلالت دارند که لیدی‌ها در اوایل سده ششم ق.م به سمت مرکز آناتولی گسترش یافتند (Ibid: 94 - 99) و تنها بعد از مواجهه با ارتش ماد در سال ۵۸۵ ق.م، در اطراف رود هالیس متوقف شدند (دیاکونوف، ۱۳۸۶، ص ۲۹۵). لذا ممکن است این کاشی‌ها به ما در شکل بخشیدن به این باور که لیدی‌ها در این زمان در گوردیون حضور داشته‌اند، کمک کند.

نتیجه:

مهاجرت فریژی‌ها به آسیای صغیر و تشکیل امپراطوری فریژی در این ناحیه، باعث ظهور

فریژیها در ابتدا به احتمال زیاد به جای کاشی، از پارچه استفاده می‌کرده‌اند. شاید در یکی از نماهای ساختمانی که در نقوش کنده شده در صخره دیده می‌شود، بتوان آثار پارچه‌ها را مشاهده نمود. حاشیه‌های منقوش ساخته شده از گل پخته، می‌توانند از نوارهای بافته شده پارچه‌های خیمه‌هایی الگو گرفته باشند که هنوز در بین قبایل آسیای مرکزی مشاهده می‌شود (Ibid: 88).

مقایسه این کاشی‌ها با سایر محوطه‌ها، مطالب بیشتری را درباره روابط فریژی‌ها با سایر نواحی آشکار می‌سازد. کاشی‌های سراسری و پوششی ضرورتاً یونانی‌اند؛ اما سایر موارد (مانند همپوشانی کاشی‌ها سراسری و لبه‌های بلند کاشی‌های پوششی) مشخصاً مربوط به آسیای صغیرند. بیشتر شباهت‌ها مربوط به سارد است که کاشی‌های آن از نظر اندازه، شکل و تزئینات، به نمونه‌های فریژی شباهت دارد و از لایه‌های لایه نگاری شده‌ای بدست آمده که مربوط به تاریخ ۵۵۰ ق.م و یا قبل از آن است. لوح‌های کتیبه دار معلق - با تزئینات متفاوت - از بازاری هم بدست آمده است؛ لذا به نظر می‌آید که این نوع سقف یک مدل محبوب در سطح منطقه بوده است. یافته‌های مطمئنی دلالت دارند که این تزئینات در نیمه اول سده ششم ق.م در سارد مورد استفاده واقع می‌گشته‌اند. اگرچه برخی از قسمت‌های سقف بازتاب الهام از یونان است، اما روی هم رفته کل سیستم از نمونه‌های یونانی مجزا بوده و نشان می‌دهد که سازندگان کاشی‌های گوردیون به وضوح روش‌های معاصر خویش در آسیای صغیر را به کار می‌برده‌اند. گل‌های پخته سارد و گوردیون، از بهترین نمونه‌های محفوظ آسیای صغیرند و لذا می‌توان آنها را به

فریژی از دوره آغازین تا آخرین مرحله آن، می‌توان یک پیوستگی نسبی را مشاهده نمود که به خصوص در فازهای آغازین و میانی مشهودتر است و بیانگر این نکته است که علیرغم تغییرات سیاسی پدید آمده در زندگی مردم فریژی، هنر و معماری آنها با کمترین تغییرات به حیات خویش ادامه داد و نسبتاً بدون تغییر از نسلی به نسل بعد انتقال یافت.

منابع و مأخذ:

- دیاکونوف، ایوان میخائیلویچ، ۱۳۸۶، تاریخ ماد، کریم کشاورز، مترجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- سرفراز، علی اکبر و فیروزمندی، بهمن، ۱۳۸۱، باستان شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، حسین محسنی و محمد جعفر سروقدی، تدوین، تهران، انتشارات عفاف.

- سفر، فواد، ۱۳۷۶، حضر شهر خورشید، نادر کریمیان سردشتی، مترجم، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور.

- فیروزمندی، بهمن، ۱۳۸۶، نگرشی نو به تالارهای ستون دار ایران در نیمه نخست هزاره اول ق.م، به کوشش باقر آیت الله زاده شیرازی، مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد چهارم، تهران، انتشارات پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، صص ۲۴۳ - ۲۳۱.

- کرافورد، هریت، ۱۳۸۷، سومر و سومریان، زهرا باستی، مترجم، تهران، انتشارات سمت.

تغییراتی در معماری منطقه گشت که سابقاً دیده نشده بود. شاخص ترین آنها گسترش کاربرد سازه های مگارون شکل بود. اما بر خلاف نظر برخی از دانشمندان، به نظر می رسد که نمی توان برای این نوع پلان الگویی را در معماری هیتی یافت؛ بلکه باید ریشه آن را در فرهنگ میسنی تروا جست که فریژی ها در جریان مهاجرت خود به آسیای صغیر با فرهنگ و معماری آنها آشنا شده و نه تنها در ساخت مگارون ها، بلکه در ساخت بسیاری سازه های دیگر چون دروازه های شهری به شکل معابر باریک و طویل و ساخت ردیف مگارونهای کنار هم نیز، وامدار معماری آنها شدند.

تومولوس، یکی دیگر از شاخصه های معماری بود که با ظهور فریژی ها گسترش چشمگیری یافت؛ به گونه ای که از آن، هم در ساخت خانه های مسکونی و هم در ساخت مقابر باشکوه پادشاهان فریژی استفاده گردید. همین طور سقفهای شیروانی شکل از دیگر خصایص معماری فریژی بود که شاید در این مورد، معماری آنها وامدار اورارتوئیان باشد. فریژی ها برای پوشش این نوع سقف ها از چند نوع کاشی استفاده می کردند که هم متأثر از هنر مشرق بود و هم مغرب. اما در این میان بیشترین تأثیر را از سنت کاشی کاری سارد گرفت؛ به گونه ای که می توان آنها را وارداتی به شمار آورد. همین طور می توان از کاربرد گسترده طرح های تزئینی هندسی و مصالح چوبی در ساخت بناها نام برد که از دیگر نکات قابل ذکر در باب معماری فریژی می باشند؛ به شکلی که اکثر سازه های فریژی ساختارهای نیمه چوبی را نمایان می سازند که با طرح های هندسی مزین شده اند. در مجموع با یک بررسی کلی بر روی سنن معماری و شهرسازی

-Sackler, Raymond; 2004; *Phrygia, Gordion and King Midas in the Late Eighth Century B.C.*; The Metropolitan Museum of Art, Department of Ancient Near Eastern Art;
http://www.metmuseum.org/toah/hd/phry/hd_phry.htm
 -The University of British Columbia;
<http://www.theatre.ubc.ca>
 -Wikipedia, The Free Encyclopedia;
<http://en.wikipedia.org>
 -Young, Rodney Stuart; Kohler, Ellen L; Sams, Gilbert Kenneth; 1981; *Architecture of The Tomb Complex*; The Gordion Excavations, pp 85 – 102; Philadelphia: University of Pennsylvania, Publications of Museum of Archaeology and Anthropology

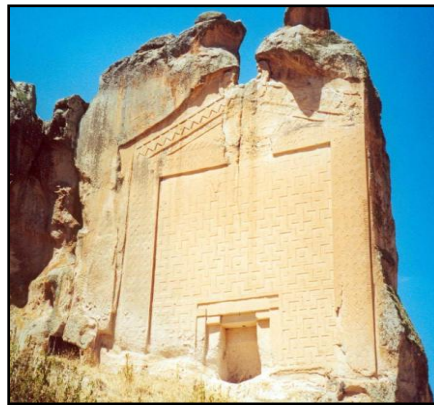
-گیرشمن، رومن، ۱۳۸۸، *ایران از آغاز تا اسلام*، محمد معین، مترجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۶، *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*، جلد اول: تاریخ سیاسی، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

-Akurgal, Ekrem; 1973; *Ancient Civilizations and Ruins of Turkey*; Istanbul: Haset Kitabevi
 -Carr, Nicholas; 2010a; *Anatolian Art and Architecture: Phrygia*;
<http://www.britannica.com/eb/article-37845/Anatolian-art-and-architecture>
 -Carr, Nicholas; 2010b; *Gordium*;
<http://www.britannica.com/ebc/article-9365846>
 -Darvill, Timothy; 2003; *Concise Dictionary of Archaeology*; New York: Oxford University Press
 -De Vries, Keith; Kuniholm, Peter Ian; Sams, G. Kenneth; Voigt, Mary. M; 2003; *New Dates for Iron Age Gordion*; *Antiquity*, Vol 77, No 296, June 2003
 -Dusinberre, Elspeth R. M.; 2005; *Gordion Seals and Sealings: Individuals and Society*; Philadelphia: University of Pennsylvania, Publications of Museum of Archaeology and Anthropology
 -Edwards, Stephen; Eiddon, Iorwerth; Sollberger, E; Hammond, N. G. L.; Gadd, C. j.; 1970; *Phrygian Art and Archaeology*; The Cambridge Ancient History, Vol II, pp 427 – 430; Cambridge University Press
 -Glendinning, Matt; 2005; *A Decorated Roof At Gordion (What Tiles Are Revealing About the Phrygian Past)*; In: *The Archaeology of Midas and the Phrygians: Recent Work at Gordion*, By Lisa Kealhofer, pp 82 – 99
 -Henrickson, Robert; 1997; *The Yassihoyuk Stratigraphic Sequence (YHSS)*; The Oxford Encyclopedia of Archaeology in the Near East, Volume 2, pp 426 – 431; New York: Oxford University Press
 -Livius, Articles on Ancient History;
<http://www.livius.org>



نقشه ۱: قلمروی پادشاهی فریژی

(<http://en.wikipedia.org/wiki/Phrygia>)



تصویر ۱: آرامگاه میداس؟

(Akurgal, 1973: 274)



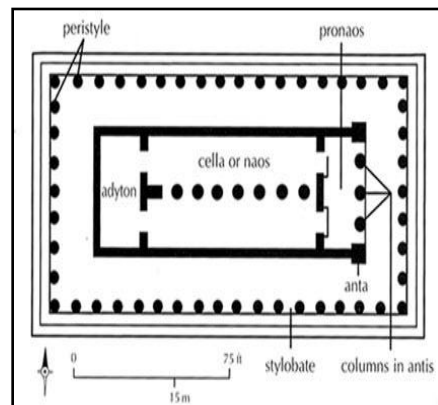
تصویر ۳: دروازه گوردیون (تیة ارگ)

(http://www.metmuseum.org/toah/hd/phry/hd_phry.htm)



تصویر ۲: تصویر هوایی گوردیون

(Young et al, 1981: 76)



نقشه ۷: پلان یک نمونه مگارون

(http://www.theatre.ubc.ca/dress_decor/images/Greece_arch/hera_plan.jpg)



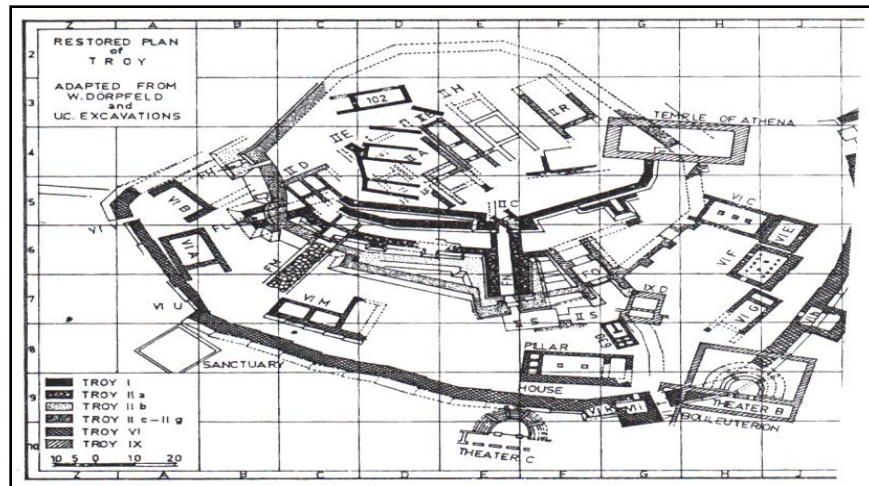
تصویر ۴: موزاییک های فریژی

(http://www.livius.org/a/turkey/gordium/gordion_mosaic_sVIII2.JPG)

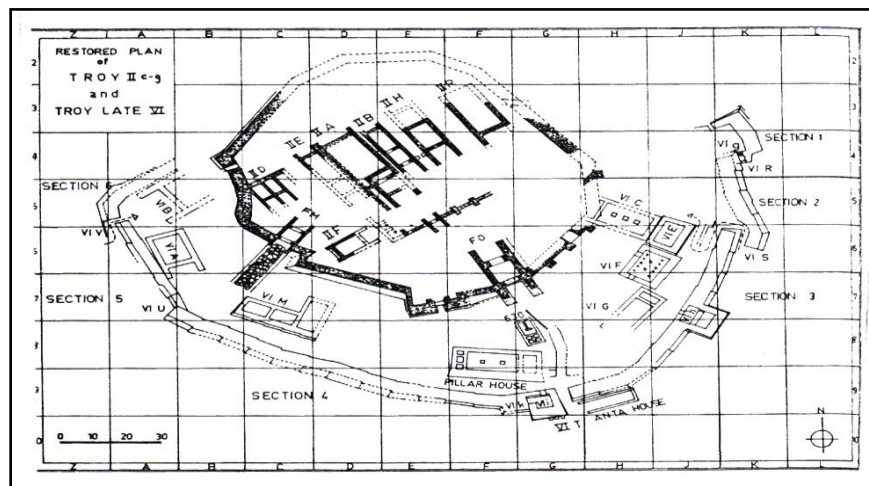
جدول ۱: توالی لایه نگاری گوردیون

(Henrickson, 1997)

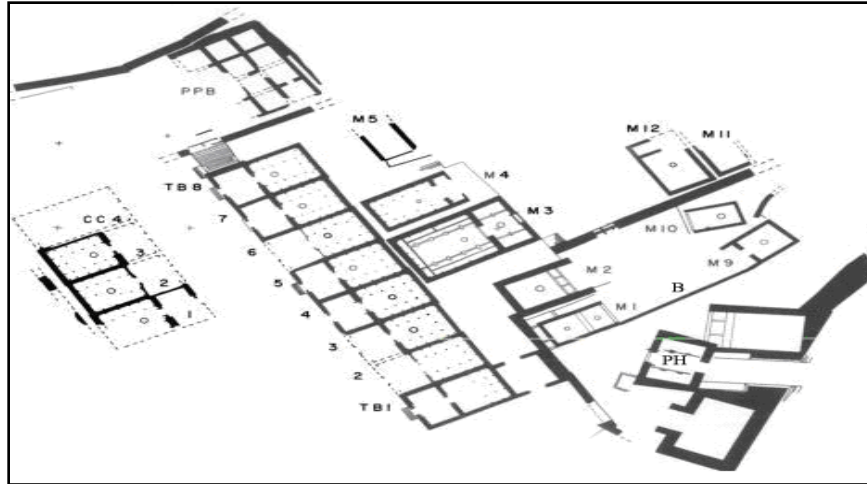
تاریخ	دوره / فاز	لایه
AD ۱۰ - ۱۲	قرون وسطی	1
AD ۱ - ۳	رومی	2
اوایل سده سوم - BC ۱۵۰	هلنی - غلاطی	3A
اواخر سده چهارم، اوایل سده سوم BC	هلنی	3B
BC ۳۳۰ - ۵۵۰	اواخر فریژی - پارسی	4
BC ۵۵۰ - ۷۰۰	فریژی میانی	5
BC ۷۰۰ - ۹۵۰	فریژی آغازین	6
BC ۹۵۰ - ۱۱۰۰	اوایل عصر آهن	7
BC ۱۲۰۰ - ۱۴۰۰	هیتی - اواخر عصر برنز	8
BC ۱۴۰۰ - ۱۵۰۰	اواخر عصر برنز	9
BC ۱۵۰۰ - ۱۶۰۰	عصر برنز میانی	10



نقشه ۳: پلان تروای II
(Akurgal, 1973: 52)

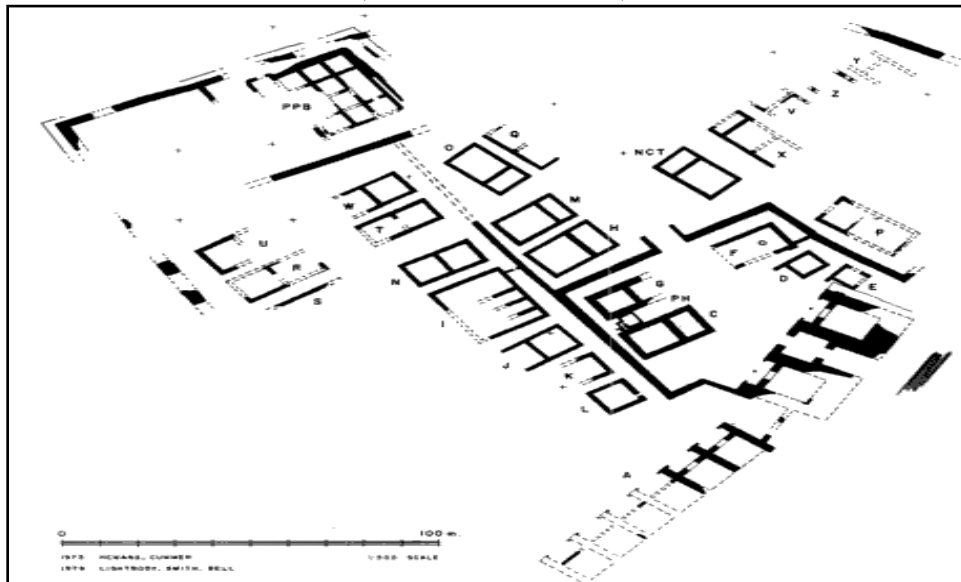


نقشه ۴: پلان تروای VI
(Akurgal, 1973: 52)



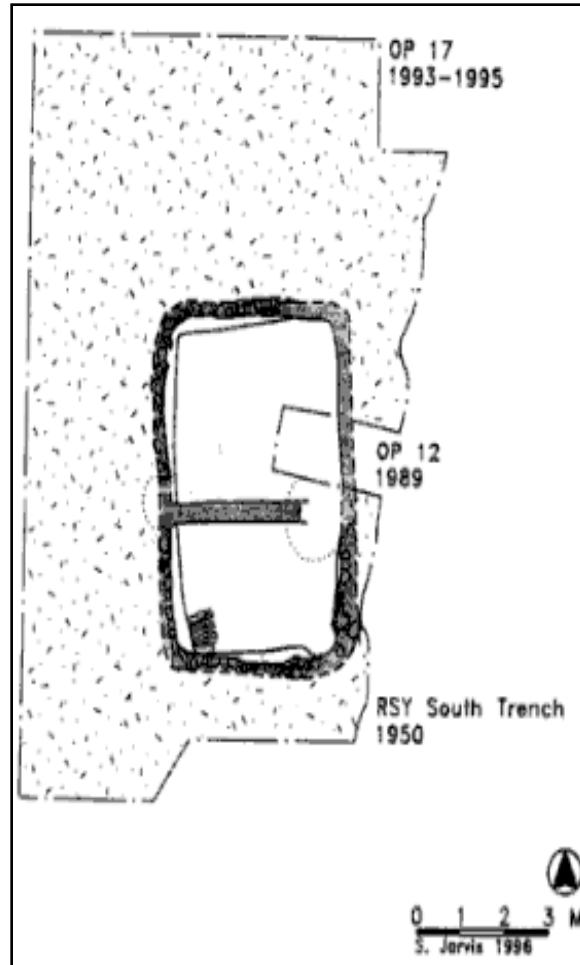
نقشه ۲: پلان تپه ارگ در دوره آغازین

(Dusinberre, 2005: 9)



نقشه ۵: پلان تپه ارگ در دوره میانی

(Dusinberre, 2005: 11)



نقشه ۶: پلان خانه های گودالی شکل - تپه شهر - دوره متأخر
(Dusinberre, 2005: 14)